

اهداف و خواسته های ایالات متحده آمریکا

در شرق نزدیک

مدت زمان مدیدی در مورد بروز جنگ جهانی سوم سخنی در میان نیست. اگر به واقعیت‌های روز برگردیم، می بینیم که در مقابل دیده گان ما جنگها با تعمیم همه جانبه آن به واقعیت زنده گی مبدل گردیده است. اگر به مقایسه پردازیم می بینیم که در سال ۱۹۱۸ جنگ اول جهانی ۱۷ میلیون کشته را گواه بود، ولی این رقم در سال ۱۹۴۵ یعنی پایان جنگ دوم جهانی به ۵۰ الی ۷۰ میلیون رسید. اگر در جنگ اول جهانی هفتاد میلیون فرد مسلح رهسپار جبهات جنگ شدند این رقم در جنگ دوم جهانی به ۱۱۰ میلیون فرد مسلح رسید. به همین ترتیب تعداد کشورهایی که در جنگ اول جهانی شریک بودند نزدیک به ۴۰ کشور می رسید که در جنگ دوم جهانی این رقم به ۶۰ کشور رسید و اینک در کره خاکی ما قریب به اتفاق همه کشورهای سرمایه سالار و دلقکهای مسلط شان در کشورهای فقیر، مرتجع، مستعمره و نیمه مستعمره جهان یا این که منافع و بقای استراتژیک شان را در جنگ سراغ می کنند و یا این که با نهادن پا بر گلوی خلق مظلوم کشورهای شان به زر اندوزی و برادر کشی می پردازند.

ما در این اواخر شاهد آن هستیم که بیشتر از ۱۲/۰۰۰ سرباز: ایالات متحده آمریکا، بحرین، مصر، عراق، اردن، پاکستان، قطر، انگلستان، فرانسه، عربستان سعودی، لبنان، اسپانیا، ایتالیا و استرالیا در یک مانور نظامی گسترده یی که حدود سه هفته ادامه یافت و به نام "شیرگران" (Eager Lion) موسوم بود، عملی گردید که از جانب ایالات متحده آمریکا واحدهای نخبه نیروهای زمینی، قوای هوایی و بحری و نیروهای واکنش سریع شامل آن می باشند. با وضاحت تمام روزنامه پر تیراژ حزب کمونیست چین (روزنامه مردم) در این روزها این حادثه و پیامدهای استراتژیک آن را به تحلیل گرفته و توضیح نمود که "بسیاری از کشورها در غرب آسیا و شمال افریقا در سالهای اخیر به "تعویض رژیم" پرداختند و بدین ترتیب کارزار جیوپولیتیک این مناطق دچار تغییراتی گردید. گذشته از این منازعه مستولی برنامه اتومی ایران، وضع فوق العاده بحرانی درسوریه و مانور نظامی گسترده به رهبری ایالات متحده آمریکا باعث پیچیده گی هرچه بیشتر وضع در شرق نزدیک می گردد.

مانور نظامی "شیرگران ۲۰۱۲" (Eager Lion 2012) با شرکت ۱۷ کشور زمانی آغاز می یابد که کمتر از بیست روز از تمرینات نظامی زیر نام "مناسبات همه گانی" (Main

Connection) با شرکت ایالات متحده آمریکا و ۹ کشور شرق نزدیک از تاریخ ۸ الی ۱۸ اپریل در بحرین می گذرد. کاملاً روشن است که ایالات متحده آمریکا این دو مانور نظامی را در ظرف یک ماه بدان منظور به راه انداخته و آن را رهبری می کند تا از این طریق بتوانند به ایجاد اتحادهای منطقوی در شرق نزدیک دست یابد.

ایالات متحده آمریکا استراتژی اش را برای شرق نزدیک، انزوای ایران و تشدید فشار بر سوریه بازسازی کرد. معضله برنامه اتمی ایران قابل حل نیست. با وجودیکه ایران و شش قدرت جهانی در این رابطه در ماه می امسال (۲۰۱۲) در استانبول تدویر اجلاس کردند و به توافق رسیدند تا به تاریخ ۲۳ می در عراق به تعمیق مذاکرات ادامه دهند، ولی ایالات متحده آمریکا و تعداد معینی از کشورهای اروپایی تحریم اقتصادی شان را علیه ایران کاهش نداده و حتی سایر کشورها را به کاهش توريد نفت از ایران تشویق کردند. ایالات متحده آمریکا بر علاوه این مطالب تصمیم گرفت تا طیاره های شکاری اف ۲۲ را در پایگاه هوایی نظامی (الضفره) در جنوب «ابودابی» مستقر گرداند و به این ترتیب تهدید علیه ایران را تشدید بخشد.

"شیرگران" همان مانور نظامی است که همه ساله با شرکت بسیاری از کشورها راه اندازی می شود و امسال به استثنای کشور سوریه، همه کشورهای عربی در آن شرکت جستند. وضع در سوریه از آغاز سال نو عیسوی تا حال خلیجها نا آرام است. بعد از آنکه قدرتهای معینی در غرب و کشورهای عربی به خاطر سقوط رژیم بشرالاسد به ناکامی مواجه شدند، «کوفی حنان» نماینده خاص ملل متحد و لیگ عرب قادر به آن شد تا به خاطر پایان بخشیدن به برخوردها میانجیگری کند. ولی این آتش بس خلیجها متزلزل است و بعضاً علیه این پلان حملات تروریستی سازماندهی می گردد".

این روزنامه و سایر رسانه ها اعلام داشتند که: «یکی از سخنگویان ستردرستیز اعلام داشت که مانور کنونی متوجه آنست تا مناسبات متقابل نظامی میان ایالات متحده آمریکا و کشورهای عربی دوست را به وسیله همگرایی همه بخشهای نظامی تقویت نموده و کشورهای شامل مانور را برای "مطالبات امنیتی" کنونی و بعدی آماده سازد. مانور با وضع در سوریه رابطه یی ندارد و اما با آنهم تعدادی از رسانه ها در شرق نزدیک این تمرینات نظامی را با وضع در سوریه پیوند می دهند و از این دیدگاه نماینده گی می کنند که هدف از این تمرینات همانا تأمین امنیت در سرحدات اردن است».

بحران سوریه که حدود یکسال قبل آغاز یافت، باعث ایجاد تغییرات عمیقی در روابط سوریه با همسایه هایش گردید. اردن با داشتن درازترین سرحد با سوریه در مانور "شیرگران" نقش میزبان را دارد. رسانه های اردنی گزارش می دهند که: «این مانور نظامی درگسترده گی خود،

مانورست که گونه آن تا حال در اردن انجام پذیرفته است». لازم است یاد آوری گردد که اردن یکی از بزرگترین کشورهای دریافت کننده کمکها و پشتیبانی نظامی از جانب ایالات متحده آمریکا است که در پنج سال اخیر حجم آن بالغ به ۲،۴ میلیارد دالر امریکایی می گردد. بایستی تذکر داد که عربستان سعودی نیز در این مانور شرکت دارد. این کشور به گونه آشکار در امواج "تعویض رژیم" در آسیای غربی و افریقای شمالی دست داشته و به خصوص موضع اش در برابر سوریه خلیها سختگیرانه است. در حالیکه عربستان سعودی گروههای اپوزیسیون سوریه را از نظر مالی پشتیبانی می کند، سلاح و تجهیزات مدرن نظامی را برای آنان نیز تمویل و تدارک دیده و زمینه های انکشاف صنایع تسلیحاتی داخلی اش را در جایگاه یک قدرت منطقوی در شرق نزدیک رشد می دهد.

ایالات متحده به اقدامات متعددی به خاطر تشدید کنترل شان در شرق نزدیک دست یازیدند که، می توان از طبلنوازی بیحد در رابطه با تهدید اتمی به وسیله ایران، از مداخله شان در جنگ داخلی لیبیا و سوریه، از راه اندازی تعدادی از مانورهای نظامی، از فروش مقدار بزرگ سلاح به قدرتهای منطقوی و از ارتقای حضور نظامی آنها در منطقه یادآور شد.

گذشته از این ایالات متحده آمریکا قطعات نظامی اش را از عراق و افغانستان برگشت داده و سمندهی استراتیژیک خود را متوجه پاسیفیک غربی ساخته است تا بدینوسیله در سطح جهانی "تعادلی" را برقرار سازد. یکی از مقامات عالیرتبه پنتاگون به تاریخ ۲۷ مارچ اعلام داشت که ایالات متحده آمریکا سعی میورزد تا همان سیستم مدافعه راکتها را که در اروپا ایجاد نموده، در آسیا و خاصتاً منطقه شرق نزدیک نیز عملی کند. این اقدامات را می توان در همکاری با جاپان، کوریای جنوبی، آسترلیا، عربستان سعودی، بحرین، قطر و تعداد دیگری از کشورها در این دو منطقه جهان جامه عمل پوشانید تا در برابر «تهدید راکتها» از ایران و کوریای شمالی مقابله کرد.

ولی این همه اقدامات بدون شک وضع امنیتی در آسیا و شرق نزدیک را بیشتر از پیش به مخاطره می اندازد.